

## مربیان آمریکائی ویتالی کلیچکو

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۳/۱۲/۱۷/amerikanske-trenery-vitalija-klichko-۲۴۶۴۸.html>

۲۹ قوس ۱۳۹۲

این دیگرم به یک سنت در اوکراین مستقل تبدیل شده، که هیچ وزارتخانه یا اداره دولتی، هیچ حزب سیاسی دارای نماینده در مجلس، غیر از حزب کمونیست، وجود ندارد که در آنجا «آمریکائیان آرام»، یا آلمانیها راه و رسم اداره این کشور را به سیاستمداران و مقامات اوکراین نشان ندهند.

و اگر ویتالی کلیچکو به مقام ریاست جمهوری اوکراین برسد، مشکل بتوان این سنت را منسوخ کرد. حتی آنوقت این بیماری در تمام ابعادش عود خواهد کرد. با فقدان هر گونه دانش ضروری برای اداره دولت، کلیچکو ناگزیر به یک اسباب بازی در دست آن کسانی بدل خواهد شد، که او را به قلعه هرم دولتی هل می دهند و در پشت «تاج و تخت» او پنهان می شوند. مشاوران آمریکائی هم که حزب «ضربه» را اداره می کنند، جزو آنها خواهند بود. جالب توجه است، که این مشاوران ظاهر کارکنان شرکتی هستند که در تماسهای کلیچکو با کنگره و سازمانهای دولتی آمریکا نقش واسطه را بازی می کنند، و همچنین، در مقر او بعنوان مشاور در امور سازماندهی انتخابات ریاست جمهوری پیش از موعد اوکراین به فعالیت مشغولند...

در زمانهای اخیر، بگفته راستیسلاو پاولنکو، استرزیست سیاسی حزب «ضربه»، حزب با شرکت آمریکائی PBN که در عرصه کار باصطلاح تخصصی ارتباطات راهبردی در بازارهای روسیه، اوکراین و سایر کشورهای مشترک المنافع مشغول است، کار کرده است. همانطور که در تارنمای PBN ذکر شده، عرصه های کلیدی کار شرکت عبارتند از «ارتباطات سازمانی و بحرانی؛ رابطه با جامعه و همکاری با ساختارهای دولتی؛ تأمین مالی ارتباطات و رابطه با سرمایه گذاران».

با توجه به اینکه اشخاصی مثل **گئورگی آگانوف**، سخنگوی مطبوعاتی سابق **میخائیل گارباچوف**، و **برنارد ساچر**، رئیس هیئت مدیران شرکت سرمایه گذاری «آلفا-کاپیتال» عضو هیئت مدیره PBN هستند، کاملاً می توان گمان کرد، که PBN یکی از آن ساختارهای غربی

است که مثل زالو به جمهوریهای پسا شوروی چسبیده و با استفاده از رابطه خود با مقامات عالی رتبه دولتی و کار و کسب بزرگ، از این جمهوریها به بانکهای آمریکائی پول پمپاژ میکند. دفتر این شرکت را در اوکراین، مایرون واسیلیک، تبعه آمریکا، کارمند اسبق وزارت امور خارجه، عضو هیئت ناظران بنیاد «آورآسیا» - مرتبط با سازمان جاسوسی آمریکا، عضو هیئت ناظران مرکز بین المللی مطالعات امیدبخش، که با پول جورج سورس تأسیس شده، اداره می کند. تهیه متن پیشنهاد قرارداد منطقه آزاد تجاری بین اوکراین و اتحادیه اروپا، که رئیس جمهور اوکراین آن را بعنوان تهدید منافع ملی کشور ارزیابی کرد، اتفاقاً، یکی از خدمات این مرکز می باشد.

ماریا اینوا، نماینده مجلس اعلای اوکراین (رادا) از حزب «ضربه» از سال ۲۰۱۲، همسر واسیلیک است. واقعا هم درک این مسئله مشکل است، که بازی کدام خدمات او از جایگاه یک کارفرمای کوچک و مشاور نماینده مجلس در سال ۲۰۰۵، ناگهان به جایگاه مشاور رئیس جمهور اوکراین (!) و سپس، به مقام کارمند دفتر او ارتقاء پیدا کرد. برای درک این واقعیت، لازم است بدانیم رئیس دفتر PBN بعد از «انقلاب نارنجی» در اوکراین چه امکاناتی در اختیار داشت.

پس از تأسیس حزب «ضربه»، شرکت PBN به کار با تیم ویتالی کلیچکو مشغول شد، رابطه او را با کاخ سفید، کنگره، وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا کمک تنظیم کرد. دیدار رئیس حزب و معاون او از واشنگتن را شرکت PBN سازمان داد. اتفاقاً همین شرکت بود که کلیچکو را که برخورد عصبی بویژه به هر چیز مرتبط با روسیه وجه تمایز او می باشد، به سناتور جون مک کین، و همچنین، به تعدادی از کارکنان وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا وصل کرد.

رئیس دفتر کمپانی PBN در اوکراین، ضمن کمک به ویتالی کلیچکو در برقراری روابط لازم با ساختارهای آمریکائی، اساساً به فیونا هیل، آشنای قدیمی و همکار سابق خود در بنیاد «آورآسیا»، وابسته به ارتجاعی ترین جناح نئومحافظه کاران آمریکا متکی بود. از قضا او بعد از حمایت همه جانبه از اقدامات وهابیون در چین، توجیه حادثه تروریستی در بیسلان، و سخنرانی در جلسه استماع کنگره آمریکا بر علیه شناسائی گروه اسلامگرای «حزب التحریر» بعنوان گروه تروریستی شهرت یافت. در سالهای ریاست جمهوری جورج بوش کوچک، فیونا هیل در مقام کارشناس ارشد مسائل روسیه و آورآسیا در شورای امنیت ملی آمریکا انجام وظیفه می کرد. او پیوند تنگاتنگی با مهاجران اوکراینی دارد و خود را دوست بزرگ اوکراین می شمارد (البته فقط بخش ناسیونالیستی آن).

بدین ترتیب، اگر ویتالی کلیچکو در مسند ریاست جمهوری بنشیند (و واشنگتن، صرفنظر از اینکه گونه های آرسن یاتسنیوک و اولگ تیاگنیوک چقدر گل بیاندازد، در هر حال، به این راه سوق می دهد)، امکانات شرکت PBN حداقل کمتر از دوره ریاست جمهوری ویکتور یوشنکو در اوکراین نخواهد بود. ممکن هم هست، نه. زیرا، بگفته کوست باندارنکو، متخصص علوم سیاسی اوکراین، حزب «ضربه» بتازگی با کمپانی دیگر آمریکائی - Greenberg Quinlan Rosner (GQR) همکاری می کند.

کمپانی Greenberg Quinlan Rosner (GQR) یک شرکت باز هم بزرگتر در زمینه ارائه خدمات مشاوره است، که در بیش از ۸۰ کشور جهان فعالیت می کند. به همان کارهایی که شرکت PBN انجام می هد، مشغول است. اما شاید، وجه تمایز عمده GQR با کمپانی PBN این باشد که اساسا همچون تشکیلات مایرون واسیلیک به سمت حزب دمکراتها بیشتر تمایل نشان می دهد تا حزب جمهوریخواهان آمریکا.

تصمیم به تعویض یک مربی آمریکائی با دیگری، احتمالا به این دلیل بود، که هر چه کارها در جهت انتخابات ریاست جمهوری اوکراین بیشتر پیش میرود، همانقدر حزب «ضربه» بیشتر می فهمد، که ویتالی کلیچکو باید پیش از همه به دمکراتهای آمریکا اتکاء نماید تا او را در سال ۲۰۱۵ در کاخ سفید «هدایت» کنند. بدین ترتیب، سمتگیری بطرف GQR که هنگام کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا از بیل کلینتون و در دوره بعدی، از آلگور حمایت کرد و در انتخابات کنگره و انتخاب رؤسای ایالات به کمک حزب دمکرات شتافت، یک گام منطقی بود.

حضور کمپانی GQR در اوکراین و البته، در همه حریم پسا شوروی تازگی ندارد. مثلا، در سال ۲۰۰۷، این کمپانی با «حزب اوکراین ما» همکاری می کرد. این همکاری نتایج رقت انگیزی برای حزب در پی داشت. اما، ظاهرا، روابط قبلی در انتخاب همکار جدید برای حزب «ضربه» نقش داشتند. اگر چه کارزار انتخاباتی قبلی کمپانی GQR در اوکراین با عدم موفقیت روبرو شد، اما، بنظر می رسد لحظه های بیاد ماندنی از همکاری در حافظه شرکای اوکراینی و آمریکائی باقی مانده است. آنها می توانند با «قطع» بودجه کارزار انتخاباتی حزب سرگرم باشند. چه کسی می داند؟ رمز و رازهای بزرگی در فنون سیاسی هر تیم منسجم هم می تواند وجود داشته باشد.

علاوه بر این، کمپانی GQR موفقیتتهائی هم در کار تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در یکسری از کشورها، از جمله در رومانی، آلمان و انگلستان، جایی که رابطه GQR با محافل دولتی و سیاسی کما فی السابق حفظ شده، بدست آورده است. و این، محدوده امکانات GQR در ارائه خدمات به رئیس جمهور آینده اوکراین را مشروط بر اینکه همه امور بر وفق مراد ویتالی کلیچکو پیش برود، تا حد محسوسی گسترش می دهد. حداقل برای مدت معینی.

کمپانی GQR چگونه میخائیل ساآکشویلی را بقدرت رساند، و سپس راه و رسم آمریکائی اداره گرجستان را به او آموخت، در اینجا، در گرجستان جلو چشم ماست. همه اینها چه ارمغانی برای اوکراین به همراه خواهند آورد، هنوز گفتن آن دشوار است. ممکن است، اوکراین نیز همچو گرجستان یک میدان انقلاب دیگر از سر بگذراند. اما نباید به این عادت کرد. برای اینکه ابقاء یا تعویض مربیان آمریکائی در همه حال، فقط یک نتیجه در پی دارد و آن، آسیب دیدن کشوری که این مربیان «طرز زندگی» را به آن می آموزند. ویتالی کلیچکو در حضور جون مک کین

### **پی نوشت مترجم:**

در باره حوادث روزها و هفته های اخیر اوکراین، که بدنبال برگزاری اجلاس ش.رای امنیت و همکاری اروپا در کیف در اول ماه دسامبر و امتناع دولت اوکراین از امضای توافقنامه ایجاد منطقه آزد تجاری بین اتحادیه اروپا و اوکراین شروع شد، صدها مقاله و مطلب بزبانهای مختلف، بخصوص، بزبان روسی نوشته و منتشر شده و همواره در صدر اخبار و گزارشات رسانه های جمعی بوده است. این حجم عظیم مطالب و گزارشات مختلف را بجرأت می توان با حجم تحلیل و ارزیابی ها از هجوم غرب و ناتو به یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه مقایسه کرد.

از میان همه این مطالب، بنظرم، علاوه بر مقاله حاضر، دو مطلب بیش از همه جالب توجه است. اولی، نوشتاری است بقلم آقای محمد چابکی با عنوان «تخریب مجسمه لنین، مشکل اجتماعی اوکراین را حل نمی کند» در این نشانی: «<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=۵۷۱۹۳>» و دومی، نامه دبیر کل حزب کمونیست اوکراین به احزاب کمونیست جهان است تحت عنوان «تلاش اتحادیه اروپا برای تغییر رژیم در اوکراین» در این نشانی «<http://www.tudehpartyiran.org/۲۰۱۳-۱۲-۰۳>» و «<http://www.tudehpartyiran.org/۲۰۱۳-۱۲-۱۷-۱۱-۱۲-۰۶>».

مقاله آقای چابکی را صرفنظر از اینکه به مداخلات گسترده خارجی در حوادث اوکراین نپرداخته، شاید بتوان یکی از جامع ترین و کاملترین تحلیل و بررسیها از این حوادث دانست. اما نامه دبیر کل حزب کمونیست اوکراین به احزاب کمونیست جهان را با توجه به اینکه فقط نصف حقیقت را بیان کرده (بی توجهی رژیم حاکم به خواستههای توده ها و سرپیچی از برگزاری همه پرسی پیشنهادی حزب کمونیست) و بر نصف دیگر حقیقت (مداخلات گسترده خارجی)، بطور کلی چشم فرو بسته و تنها دولت اوکراین را مسبب و مقصر حوادث پیش آمده می داند، در واقع میتوان در ردیف سنگین ترین ضربات به افکار عمومی، هم در داخل و هم در خارج از

اوکراین رده بندی کرد. چرا که بیان نصف حقیقت و کتمان نصف دیگر آن بی هیچ توضیح و تفسیر اضافی، بمعنی گریز از واقعیت و چشم پوشی بر تمام حقیقت است.

در همه حال، نمیتوان این واقعیت را از نظر دور داشت، که امروز جمهوری اوکراین یکی دیگر از آوردگاههای دو قطب سیاسی-اقتصادی-اجتماعی جهان: قطب غرب، متشکل از امپریالیستهای آمریکا، اروپا و اعمار و مستعمرات کهنه و جدید آنها در یک طرف و در طرف دیگر، قطب در حال تکوین و تکامل «شرق» با نقش آفرینی روسیه و چین است. حضور بسیاری از وزرا، وکلا، مقامات دولتی و حزبی و حتی همه سفرای کشورهای قطب اول در جمهوری اوکراین، از جمله، سناتور فاشیست آمریکا، یکی از قاتلان مردم ویتنام، جون مک کین، گیدو وستروله وزیر خارجه آلمان و بسیاری دیگر در میان معترضان ناسیونالیست و غربگرای اوکراین و نطقهای آتشین آنها در تجمعات معارضان، همچنین، پرچمها، نشانها، سمبلها و آرمهای فاشیسم و اتحادیه اروپا در دستها و سینه های معارضان، این مدعا را ثابت می کند.

اما ویتالی کلیچکو «رهبر» اعتراضات اخیر در اوکراین که نویسنده همین مقاله روابطه او با نهادها و موسسات آمریکائی را مورد بررسی قرار داده، کیست؟ او یک بوکسور سنگین وزن اوکراینی و فهرمان رشته های بوکس و کیگ بوکس کشور و جهان و معلم ورزش است. ویتالی کلیچکو ۴۳ سال دارد و از سال ۲۰۰۳ یک بنگاه خیریه بنام «بنگاه خیریه برادران کلیچکو» را اداره می کند. حجم پول صرف شده این «بنگاه» برای «امور خیریه»، بنوشته مطبوعات اوکراین، به میلیونها دلار بالغ می شود. اگر چه او کاری به سیاست نداشت، ناگهان در «انقلاب نارنجی» سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۵ شرکت کرد و پس «پیروزی» ویکتور یوشچنکو، بلافاصله بمقام مشاور رئیس جمهور اوکراین برگزیده شد. پس از تأسیس حزب «ضربه»، در سال ۲۰۱۲ بنمایندهای از این حزب به مجلس قانونگذاری اوکراین راه یافت. هم اکنون ریاست فراکسیون حزب «ضربه» در مجلس ملی اوکراین را بر عهده دارد.

نقش آفرینی ویتالی کلیچکو در حواث اوکراین، بار دیگر این واقعیت را تأیید می کند که امروز ورزش نه تنها در خدمت تندرستی اجتماعی نیست، بلکه، به یک ابزار تحمیق نسلهای جوان جان بدر برده از حمله مافیای مواد مخدر و به یک وسیله بسیار پر سود برای سرمایه داران «بی کارخانه» تبدیل شده و خود ورزشکاران عمدتاً بخدمت مافیای جنایات سازمانیافته، بویژه، تشکیلات جهنمی فراماسونری- صهیونیستی در آمده اند. در همین رابطه، ترکیب تیمهای ورزشی، خرید و فروش ورزشکاران، برگزاری مسابقات پیاپی ورزشی- از بازیهای المپیک (تابستانی و زمستانی) گرفته تا مسابقات شهری، استانی، کشوری، منطقه ای، قاره ای و جهانی بسیار قابل تأمل است.